

تَبِیک کَفَشدوَزِک

• زهرا عراقی

در روز کودک
همراه مامان
رفتم به یک پارک
خوش حال و خندان

روی گلی بود
یک کفشدوزک
با دیدنم گفت
روزت مبارک



سیاه چادر

• زهرا شفیعی ینگابادی

اطراف دشت اشترانکوه
ما مردمی چادرنشینیم
باید برای خانه سازی
موهای بزها را بچینیم

آن وقت با آن‌ها بیافیم

یک چادر خوش رنگ و زیبا
این خانه راحت می شود جمع
وقت سفر با دست بابا



بیبا با هم این شعرهای زیبا را گوش کنیم.



شعر

تصویرگر: چنور شعبانی

روز کودک

• خاتون حسنی

هر روز من خوبم ولی
امروز خیلی بهترم
خوش حالم و لی لی کنان
بالا و پایین می‌پریم

یا با عروسک‌های خود
مشغول بازی می‌شوم
یا کیک و شربت می‌خورم
دنبال مادر می‌دوم

امروز کارم تا غروب
تفریح و بازی کردن است
چون روز کودک آمده
روزی که مخصوص من است

بزغاله و دفتر من

• سمیره بروانیا

باز هم بزغاله خان
دفترم را برده است
عکس جلدش سیب بود
حتماً آن را خورده است

لابه‌لای خوشه‌ها
دفترم جامانده بود
کاش او اسم مرا
روی دفتر خوانده بود



بیا با هم این شعرهای زیبا را گوش کنیم.